

بدن در سبک زندگی دینی و سکولار

e.alikhani@irip.ac.ir

اسماعیل علی‌خانی / استادیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

چکیده

با توجه به تفاوت در بینش‌ها و گرایش‌ها، دو نوع سبک زندگی دینی و غیردینی (سکولار) وجود دارد. از موضوعات مهم در این دو گونه سبک زندگی، بدن انسان و نقش‌آفرینی آن در کمال، سعادت، هویت‌بخشی و ایجاد آرامش برای فرد است. در جامعه امروزی، بدن یک سرمایه نمادین و سرمایه اجتماعی و دارای جایگاه منزلتی و کارکردی است و اهمیت آن تا جایی است که با دانش‌ها و موضوعاتی نظیر «جامعه‌شناسی بدن» و «مدیریت بدن» سعی در مدیریت آن دارند. در سنت ادیان توحیدی نیز بدن دارای جایگاه ویژه کارکردی است. این نوشتار نخست به موضوعات مرتبط با بدن، نظیر چیستی و جایگاه بدن، جامعه‌شناسی بدن، مدیریت بدن و رابطه بدن با زیبایی پرداخته و در ادامه، چند کارکرد بدن، نظیر کارکرد هویتی، تجاری و نمایشی را در دو نگرش دینی و سکولار واکاوی کرده است. حاصل این نوشتار که به روش کتابخانه‌ای، تطبیقی و تحلیلی صورت پذیرفته، این است که به‌رغم جایگاه ویژه بدن در هر دو رویکرد، تفاوت بنیادینی در نوع نگاه به بدن، تعریف و کارکرد آن و نیز مبانی، اهداف و انگیزه‌های توجه به بدن وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، بدن، بدن‌گرایی، جامعه‌شناسی بدن، مدیریت بدن.

«سبک زندگی» (Lifestyle) مفهومی نسبتاً جدید در ادبیات علوم اجتماعی است؛ چنان که بعضاً پدیدار شدن آن را در زمره اختصاصات جامعه امروزی قلمداد کرده‌اند، هرچند زندگی افراد بشر در طول تاریخ و در جوامع گوناگون همواره براساس مجموعه‌ای از قواعد و مناسبات رفتاری معین، نظم و نسق یافته است.

نخست کسانی همچون ماکس وبر، جرج زیمل، تورشتاین ویلن و آلفرد آدلر در سال‌های آغازین قرن بیستم به مفهوم «سبک زندگی» توجه کردند؛ اما پس از نیم قرن این موضوع به افول گرایید. مجدداً از سال ۱۹۶۱ اقبال متفکران، به‌ویژه جامعه‌شناسان به آن گرایید.

دو نوع کلان سبک زندگی با توجه به تأثیر بینش‌ها و نگرش‌ها در آن، سبک زندگی «دینی» و «غیردینی» (سکولار) - اعم از الحادی و مادی - است. مبانی هر سبک زندگی مستلزم یک سلسله رویناها و کارکردهاست. به بیان دیگر، انتخاب مبانی خاص سبک زندگی موجب شکل دادن به موقعیت‌های فردی و اجتماعی شخص (یعنی سبک زندگی) می‌شود؛ نوع خرید، نوع تفریح، عضویت در گروه‌های اجتماعی و شیوه مدیریت بدن. هریک از طرفداران سبک زندگی دینی و سکولار برای نیل به اهداف و ارزش‌هایی تلاش می‌کنند که در جامعه آنان تثبیت شده است.

یکی از جلوه‌های مهم سبک زندگی امروز، به‌ویژه سبک زندگی غیردینی، بدن‌گرایی یا توجه افراطی به بدن است. به بیان متخصصان، در دنیای معاصر، بدن به منبعی برای سرمایه‌های اجتماعی تبدیل شده است. با افزایش اهمیت «خود» و «فردگرایی»، که از پیامدهای جامعه نوین است، بدن به‌مثابه واضح‌ترین و آشکارترین حامل، خود جایگاه ویژه‌ای در زندگی و تعاملات روزمره یافته است و نقش مهمی ایفا می‌کند. در سبک زندگی مصرفی و نوین، بدن دربرگیرنده نوعی علاقه تجاری، نمایشی و آرامشی است.

از سوی دیگر، در ادیان توحیدی نیز بدن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بخش معتابیهی از احکام، موضوعات و شعائر دینی به بدن و مسائل آن مربوط است.

این نوشتار درصدد ارائه تصویری، هرچند مختصر، از بدن، اهمیت و کارکرد آن، به‌مثابه یکی از دارایی‌های انسان، در دو سبک زندگی دینی و سکولار است.

تعریف «بدن»

با توجه به نوع نگرش یک آیین یا مکتب به انسان و تعریف از او، تعریف از بدن نیز متفاوت خواهد بود. در مکاتب مادی و سکولار، انسان تک‌ساحتی و صرفاً مادی است و بعد دیگری برای او تصور نمی‌شود. در تعریف مادی‌نگر از انسان، «بدن» رکن اساسی تصور از خود است و نقش مهمی در توانمندی‌ها و موفقیت او دارد. در دنیای امروزی انسان‌ها به‌منظور انجام تعامل با جامعه این دارایی را کنترل کرده، به نمایش می‌گذارند (شیلینگ، ۱۹۹۳، ص ۸۲).

با توجه به این تعریف، بدن اصالت دارد و هویت‌بخش انسان است. در اینجا بدن انسان نقطه آغازین و ملموس ارتباط او با دیگران و اولین رسانه‌ای است که آدمی با آن خود را به دیگران معرفی می‌کند. جامعه ابزارها، مهارت‌ها و کالاهایی در اختیار افراد قرار می‌دهد تا خود را از طریق بدن به دیگران معرفی کنند، پذیرش دیگران را بطلبند و احساس خوشایندی در خود و دیگران ایجاد کنند.

اما در تعریف دینی از انسان، که به دوساحتی بودن انسان باور دارد و او را متشکل از روح و بدن و بعد مادی و معنوی می‌داند و همه هویت و اصالت را به روح او می‌دهد، بدن بخش فرعی انسان و در خدمت روح و - درواقع - اهداف متعالی انسان است. به بیان دیگر، بدن ابزار و مرکب کمال روح و تحقق بخشیدن به آرمان‌های آن است (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص ۵۶).

به دیگر سخن، همه اندیشه‌ها، آرمان‌ها، احساسات، هنجارها و همه تجلیات رفتاری فرد از آن روح و ناشی از روح است و بدن در حکم قالب این محتوا و ابزاری برای انجام فعالیت‌های آن و بالفعل شدن استعدادها و کمالات بالقوه روح است. بنابراین، همه فضایل اخلاقی و انسانی ریشه در روح دارد و هنگام تعارض میان خواسته‌های روحی و جسمی، حق تقدم با خواسته‌های روحی است. جسم ابزاری در خدمت روح و کارکردهای آن است.

البته لازمه ابزاری بودن جسم بی‌اهمیت بودن آن و نادیده انگاشتن آن نیست. جسم در این نگرش نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است و قرآن کریم برای هریک از اعضای بدن کارکردهایی قائل است و به این نکته تصریح می‌کند که صاحبان این اعضا از کارکردشان بازخواست خواهند شد: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۶).

همچنان‌که لازمه ابزار بودن یک چیز آن است که در جهت هدف منظور به کار گرفته شود و خود تبدیل به هدف نشود، اگر بدن از مرکب معراج روح به مرتع لذت‌های جسم فروکاسته شود، هدف انسان از تکامل روح به تکامل بدن تنزل می‌یابد (شه‌گلی، ۱۳۹۹، ص ۱۵) و به جای اینکه بدن در خدمت کمالات روح باشد، روح در خدمت لذت‌های بدن قرار می‌گیرد. غزالی با بیان این نکته که انسان‌ها همگی در مسیر سفر آخرت قرار دارند، نگاه ابزارانگاری حداقلی به بدن را در حد ضروری می‌داند: «فِي السَّفَرِ الْآخِرَةِ لَا يَشْتَغَلُ بَتَعْدِ الْبَدَنِ إِلَّا بِالضَّرُورَةِ» (غزالی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۹۵).

جامعه‌شناسی بدن

در سال‌های اخیر، بدن انسان موضوع مهم مطالعه جامعه‌شناسان معاصر قرار گرفته است. اهمیت بدن نه تنها در تحقیقات تجربی، بلکه در نظریه‌پردازی‌های جامعه‌شناختی آشکار شده است (هاوسون و اینگلیس، ۲۰۰۱، ص ۱۲۹۷).

«جامعه‌شناسی بدن» شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که ماهیت اجتماعی جسمانیت بدن، نمایش اجتماعی بدن، گفتمان‌های حاکم بر بدن، تاریخ اجتماعی بدن و تعامل پیچیده میان بدن، جامعه و فرهنگ را بررسی می‌کند (ترنر، ۱۹۹۴، ص ۳۶).

هرچند بدن انسان‌ها در طول تاریخ مطمح نظر پزشکان، متخصصان زیبایی، سیاستمداران و دیگران بوده، اما در اواخر قرن بیستم بود که بدن به صورت جدی برای جامعه‌شناسان به یک مسئله مهم تبدیل شد (فرانک، ۱۹۹۰).

تغییرات گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، نظیر تغییرات جمعیت‌شناختی، فناوری‌های نوین پزشکی، جنبش‌های فمینیستی، رشد فرهنگ مصرفی، آثار برخی از جامعه‌شناسان و در نهایت، سیاسی‌شدن بدن‌ها موجب توجه ویژه به بدن در مطالعات اجتماعی و فرهنگی معاصر شد (ر.ک: هاوسون، ۲۰۰۵، ص ۱۸؛ نلوتن، ۱۹۹۵؛ شیلینگ، ۱۹۹۳).

مفهوم «جامعه‌شناسی بدن» برای اولین بار توسط *برایان ترنر* در دهه ۹۰م مطرح شد. ترنر مباحث خود را از جامعه‌شناسی پزشکی به جامعه‌شناسی بدن تعمیم داد. وی با کتاب *جامعه و بدن* (1996) *The Body & Society: Explorations in Social Theory* برای اولین بار به‌طور مستقل به جامعه‌شناسی بدن پرداخت.

برایان ترنر معتقد است: بدن در نظام‌های اجتماعی امروزی زمینه اصلی فعالیت فرهنگی و سیاسی شده است. صنعت زیبایی، ضمن ارائه دانش‌ها و مهارت‌های ویژه به کارفرمایان و اشخاص، بر اهمیت رو به رشد آن دسته از اشکال اجتماعی هویت بدنی که از نظر اجتماعی پذیرفته شده‌اند، افزود (ولینگتون و بریسون، ۲۰۰۱، ص ۹۹۳).

نکته جالب توجه درباره جایگاه بدن از منظر دین، اینجاست که پیش از آنکه جامعه‌شناسان امروزی به موضوع بدن ذیل عنوان «جامعه‌شناسی بدن» بپردازند، ادیان توحیدی با بیان اهمیت بدن انسان، نظیر فرودگاه روح الهی بودن و جایگاه آن در همراهی با روح انسان برای کمال و سعادت و همگامی با آن در سفر غایی انسان و پیچیدگی آفرینش آن به‌مثابه جلوه حکمت خداوندی، صفحه گسترده و مهمی را - هرچند نه با این عنوان - برای بدن گشوده‌اند که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد:

منزلت بدن

توجه به بدن در دهه‌های اخیر، به‌ویژه در جوامع مصرفی و سکولار به‌گونه‌ای است که به موازات کاربرد استعاره‌هایی نظیر بازگشت به فرهنگ یا بازگشت به زبان، در اشاره به رواج اندیشه‌های پسامدرن و پساساختاری، می‌توان از استعاره‌های «جامعه بدنی» (somatic society) (ترنر، ۱۹۹۶) یا «عصر بدن» (somatic turn) (هنکوک و همکاران، ۲۰۰۰) نیز سخن گفت (ذکایی، ۱۳۸۶).

از نظر *بورديو*، بدن یک «ماهیت ناتمام» و حامل ارزش‌های نمادین و هنجارهای اجتماعی است (لوپس و اسکات، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱؛ شیلینگ، ۱۹۹۳، ص ۱۲۷). در چنین رویکردی بدن عرصه‌ای برای بازآفرینی اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌آید.

به باور فوکو، بدن‌های فیزیکی همیشه و همه جا بدن‌های اجتماعی هستند. او در کتاب *مراقبت و تنبیه* درباره قدرت بدن می‌نویسد:

در عصر کلاسیک، بدن به منزله ابژه و آماج قدرت کشف شد. به سادگی می‌توان نشانه‌هایی از این توجه گسترده به بدن را یافت؛ بدنی که دستکاری و مدیریت می‌شود، ساخته می‌شود، تربیت و رام می‌شود؛ بدنی که اطاعت می‌کند، پاسخ می‌دهد، مهارت می‌یابد یا نیروهایش افزایش می‌یابد (فوکو، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰).

بنابراین، از منظر او، بدن واسطه‌ای برای اعمال و ابراز قدرت است.

به گفته گافمن، توجه بیش از حد به بدن در دنیای امروز موجب شده است بدن برای عده‌ای تبدیل به یک آیین و منسک و محلی برای پرستش شود. به باور او، توجه بیش از حد به وضعیت بدن و ظاهر آن در یک چارچوب آیینی قابل فهم است (گافمن، ۱۹۶۳، ص ۱۲۴).

در رویکرد دینی نیز بدن از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. ارزش بدن و سلامت آن در دین تا آنجاست که برخی از اندیشمندان اسلامی بر این باورند که پیامبران الهی در آغاز نبوت و رسالت خود، باید دارای بدنی سالم و به دور از عیب و نقص باشند. در واقع، یکی از قابلیت‌های فرد برای تصدی مقام نبوت و جانشینی پیامبر، سلامت جسم اوست. پیامبر یا امام باید از نظر جسم، کامل‌ترین و معتدل‌ترین مردم عصر خویش باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۷).

از منظر دینی، بدن منزلگاه روح الهی (ص: ۷۲؛ حجر: ۲۹) و شایسته رستاخیز و حضور در پیشگاه خداوند است. در این نگاه، به رغم اینکه بدن زندان روح است، اما مرکب بادپایی است که در سفر زندگی، روح بر آن سوار است (نصر، ۱۳۸۹، ص ۴۵۱).

بدن انسان منشأ الهی دارد و به دست خداوند ساخته شده و با عملکرد شگفت‌انگیزش تجلی‌گر حکمت خداوند است. به همین دلیل است که در سخن نبوی بدن امانت الهی در دست بشر دانسته شده و توصیه گردیده است که افراد در حفظ و مراقبت از آن بکوشند (نجفی، ۱۴۲۳ق، ج ۸، ص ۳۷۰).

در ادیان توحیدی، در انجام عبادات و مناسک مذهبی، بدن نقش مهمی ایفا می‌کند. انجام بسیاری از شعائر دینی همراه با جسم و حرکات بدنی است و همواره بدن رکن اساسی عمل به شمار می‌رود (نصر، ۱۳۸۹، ص ۴۵۹). به بیان دیگر، بدن انسان رفیق و همراه و همسفر روح برای نیل به کمال است و کمال انسان در گرو عملکرد روح و جسم. حتی بزرگ‌ترین سیر عرفانی عالم، یعنی سفر شبانه و معراج نبی مکرم ﷺ به ملکوت، جسمانی بود. این امر بیانگر این واقعیت است که روح بدون جسم نمی‌تواند به کمال حقیقی خویش نایل آید.

یکی از کارهای مرضی خداوند متعال و - در واقع - معامله با خداوند (بقره: ۲۰۷) نیز که بدن در آن نقش مهمی ایفا می‌کند جهاد در راه خدا - به معنای عام و خاص آن است - یعنی: هر کاری که در راه اعتلای ارزش‌های الهی و

دین خدا باشد - که برجسته‌ترین و خاص‌ترین آن - نبرد و مبارزه با دشمنان خدا و دین است. بخش عمده‌ای از فشار و مسئولیت جنگ و نبرد بر عهده بدن شخص مجاهد است. بدن در اینجا نقش مهمی در پیشبرد اهداف دین ایفا می‌کند.

قرآن در توصیف *طالوت* که از برگزیدگان الهی بود، به این ویژگی او برای مبارزه با دشمنان اهل ایمان اشاره می‌کند که خداوند به او قدرت جسمانی و وسعت دانش بخشید (بقره: ۲۴۷).

امیرمؤمنان علیؑ از خداوند درخواست می‌کند که در راه خدمت به خداوند و دین او بدنش را قوی گرداند: «قَوِّ عَلٰی خَدْمَتِكَ جَوَارِحِي» (دعای کمیل).

بدن در حقیقت غایی انسان نیز نقش ایفا می‌کند. در ادیان توحیدی، معاد جسمانی و باور به سهیم بودن بدن در سرنوشت پایانی انسان جایگاه ویژه‌ای دارد. در قرآن بیشتر توصیف‌ها از بهشت و لذت‌های آن، با تعبیر جسمانی و حضور و نیاز بدن همراه است.

راز توجه جدی ادیان، به‌ویژه اسلام به ساحت بدنی انسان در قالب دستورهای شرعی حرام، حلال، مستحب، مکروه و مباح و نیز بهداشت و سلامت جسم را باید در پیوند تنگاتنگ بدن با روح جست. بدن به سبب ارتباط گسترده با روح، پیوسته دارای احکام ویژه‌ای است (شه‌گلی، ۱۳۹۳). مفسر بزرگ، طبرسی، درباره اهمیت بدن در زندگی انسان می‌گوید: «هر انسانی برای رسیدن به کمال، نیاز به تربیت جسم و روح خود دارد... پس هرکس همت و تلاش خود را تنها معطوف به اصلاح بدن خود نماید، درواقع از حقیقت انسانیت خارج شده است؛ همچنان‌که اگر کسی تمام تلاش خود را مصروف آخرت کند و در اصلاح بدن خود بی‌توجه باشد، نیز به کمال نمی‌رسد» (طبرسی، ۱۳۸۰، ص ۱۶).

در نگرش دینی، برخلاف نگرش کمی و مکانیکی که به بدن در حد یک ماشین مکانیکی و پدیده‌ای اجتماعی نگاه می‌شود، بدن انسان مقدس و سرشار از اسرار است؛ چنان‌که در انجیل می‌خوانیم: «بدن شما هیکل روح القدس است» (اول قرنتیان، ۲۰: ۶) و نیز قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند از روح خویش در جسم انسان قرار داد» (سجده: ۹)؛ یعنی بدن انسان منزلگاه روح الهی است و بنابراین همچون معبدی مقدس است (نصر، ۱۳۸۹، ص ۴۳۵).

از همین روست که انسان مالک مطلق العنان بدن خویش نیست و نمی‌تواند هر کاری با آن انجام دهد. متفکران مسلمان، نظیر عارفان، حکما و دانشمندان علوم طبیعی به بیان‌های متفاوت، درباره اهمیت معنوی جسم و نقش آن در نیل به مقامات معنوی، نماد بودن بدن و ارتباط آن با حقیقت کیهانی، و سلسله‌مراتب جسم در دنیا، برزخ و آخرت مذاقه کرده‌اند (برای نمونه، ر.ک: مراتا، ۱۹۹۲؛ چیتیک، ۱۹۸۹؛ کرین، ۱۹۷۸). *اخوان الصفا* سه رساله از ۵۱ رساله رسائل خود را به بحث درباره بدن انسان اختصاص داده‌اند: رساله سیزدهم با عنوان «رساله جسمانی طبیعی»، رساله بیست و ششم با عنوان «گفتار حکما درباره انسان به‌مثابه عالم صغیر»، و رساله سی‌وچهارم با عنوان «گفتار حکما درباره انسان به‌مثابه عالم کبیر».

ابوحامد محمد غزالی، متفکر دینی قرن یازدهم، نیز می‌نویسد:

علم شناخت ترکیب تن و منفعت اعضای وی را علم «تشریح» گویند و آن علمی عظیم است، و خلق از آن غافل باشند و نخوانند؛ و آنچه خوانند از برای آن خوانند تا در علم طب استاد شوند... اما... نظر در تفصیل آفرینش تن آدمی کلید معرفت صفات الهیت است. بر این وجه، همچنین مفتاح علم است به عظمت صانع - جل جلاله - و این نیز بابتی از معرفت نفس است (غزالی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴).

بعدها/بن‌عربی در چند اثر خود، به‌ویژه *الفنوحات المکیه* به اهمیت بدن انسان پرداخت. وی در این کتاب با استناد به آیات قرآن به تبیین بدن انسان و حکمت موجود در آن پرداخت. همچنان که در کتاب دیگری به نام *التدبیرات الالهیه فی اصلاح مملکة الانسانیة* مستقیماً اهمیت معنوی بدن انسان را تبیین کرد. او در فصل اول و سوم این کتاب به این حقیقت دینی اشاره می‌کند که انسان خلیفه خداوند است و خلیفه الهی در جسم او ساکن است و بدن خانه اوست. بنابراین، بدن انسان منزلگاه متعالی‌ترین حقیقت آفرینش، یعنی روح خداست (نصر، ۱۳۸۹، ص ۴۸۵).

مدیریت بدن

امروزه از مهم‌ترین موضوعات مربوط به «سبک زندگی»، نوع نگاه به بدن و نحوه رفتار با آن است که با عنوان «مدیریت بدن» مطرح است. هر جامعه‌ای به واسطه فرهنگ خویش برای نحوه رفتار کنشگران با «بدن» خود هنجارهایی تعیین می‌کند؛ جامعه دینی هنجارهای دینی، و جامعه سکولار هنجارهای مادی را. مدیریت بدن در رویکرد سکولار، هرگونه نظارت و دستکاری پیوسته خصوصیات ظاهری بدن، در قالب اعمال جراحی، رویه‌های پزشکی و حرکات ورزشی است (چاووشیان، ۱۳۸۱).

فرهنگ مصرفی مسئولیت حفاظت و نگهداری از بدن را به خود فرد می‌سپارد و او را تشویق می‌کند تا از راهبردهای ابزاری برای مبارزه با افول و فساد بدن خویش استفاده کند و این ایدئولوژی را ترویج کند که بدن ناقل لذت و خودابرازی است (فادستون، ۱۹۹۱، ص ۱۷۰).

به باور بوردیو، میزان مدیریت بدن، مطابق میزان برخورداری افراد از سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، متفاوت است. طبقه فرودست جامعه به توسعه جنبه ابزاری بدن گرایش دارد، و حال آنکه طبقه فرادست به بعد زیبایی‌شناختی بدن - به‌منظور دستیابی به زیبایی، جذابیت و سلامت آن - توجه دارد (جرجان، ۲۰۰۰، ص ۱۴۱).

در دین نیز با مدیریت بدن مواجهیم؛ اما هدف و میزان این مدیریت تفاوت فاحشی با مدیریت بدن در نگاه سکولار دارد. در نگرش سکولار، بدن انسان یک «شیء» کاملاً عینی در نظر گرفته می‌شود که با یک وجه از حقیقت انطباق دارد و به هیچ وجه به حقیقت کامل بدن انسان توجه نمی‌شود؛ حقایقی که هیچ‌گاه خود را بر روی صفحات دستگاه‌های MRI و اشعه X و اتاق‌های عمل زیبایی فاش نمی‌سازد (نصر، ۱۳۸۹، ص ۴۸۸).

در نگاه دینی مدیریت بدن برای حفظ سلامت، قدرت، آراستگی و نشاط آن به‌منظور استفاده بهینه و مطلوب از آن در جهت اهداف الهی و انسانی است که عموماً جمع‌گرایانه و غیرسودگرایانه است. به همین سبب است که

پیوسته میان‌رو روی در پوشش، آراستگی، خوردن و خوابیدن و مانند آن مدنظر است. برای نمونه، مؤمنان از به‌کارگیری لباس شهرت و خانه و مرکب شهرت و همه چیزهایی که آنان را در نظر دیگران ویژه می‌سازد منع شده‌اند (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۲۴ و ۳۰).

دین، انسان‌ها را آگاه می‌سازد که برای اهداف معقول و دین‌پسند، ظاهر خویش را آراسته و بدن خود را سالم و قوی نگاه دارند. در اینجا، هرچند بدن مهم است، اما همواره فرد توجه دارد که بدن او فقط بخشی از حقیقت اوست، نه کل آن. بنابراین همه توجهات را به سمت آن معطوف نمی‌دارد و تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی مرتبط با بدن نیست و کامیابی یا ناکامی را با هنجارهای بدنی تعریف نمی‌کند. به بیان دیگر، دین، با وجود احترام به بدن انسان و در نظر گرفتن جایگاه ویژه برای آن، فرد را برابر با «بدن» نمی‌داند. دین با احکام و اعمال مذهبی، به فرد کمک می‌کند تا بدن را همچون یک «ابژه» کنترل و مدیریت کند.

دین نقش مهمی در نظم بخشیدن به بدن و مهار آن در پالایش روحی و اهداف فیزیکی دارد. آموزه‌های اسلام درباره بدن مبتنی بر حفظ جسم از آفت‌ها و آسیب‌ها، سلامت، پرورش و تقویت آن است. پرورش بدن - به معنای واقعی آن - یعنی: تربیت، تقویت، سالم نگاه‌داشتن و نیرومندکردن بدن، که بی‌شک ممدوح و از ضروریات اسلام است.

حکمت تأکید اسلام بر دستورهای بهداشتی فراوان، تقویت بدن است و حرمت بسیاری از کارها در فقه اسلامی به سبب مضر بودن برای بدن. اصلاً یک اصل کلی در فقه این است که هرچه ضرر قطعی معتابیهی برای بدن داشته باشد یقیناً حرام است، اعم از اینکه حرمت آن در کتاب و سنت آمده باشد یا نه. البته واضح است که تقویت و پرورش بدن در دین به خودی خود مطلوب و بنابراین هدف نیست، بلکه چون وسیله‌ای برای سلامت روح و فعالیت‌های آن است، سفارش شده است (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۲، ص ۶۸۹-۶۹۰).

بدن و زیبایی

در جامعه مصرفی، زیبایی و زشتی نسبی است و بسته به عوامل محیطی، فرهنگ و دوره تاریخی آن جامعه متغیر است. در اینجا زشتی و زیبایی فرد از دریچه نظر دیگران، اعم از افراد عادی یا متخصصان، نظیر کارگزاران تجاری و رسانه‌ای داوری می‌شود.

نظام سرمایه‌داری مردم را به این باور رسانده که زیبایی فرمولی کاملاً انعطاف‌پذیر است و می‌توان آن را به شیوه‌های گوناگون به‌دست آورد. راه‌های نیل به زیبایی در موضوعات مربوط به بدن، دستکاری اندام در قالب بدن‌سازی، جراحی پلاستیک، رژیم غذایی و مانند آن، آراستن بدن با انواع لوازم آرایشی و معطر و نیز آراستن آن با انواع لباس‌های مد، جواهرات و زینت‌آلات است (هانسن، ۲۰۰۲).

این در حالی است که جذابیت و زیبایی با معیارهای خاصی ارائه می‌شود که غالب افراد فاقد آن هستند. کالاهای بازار سرمایه‌داری برای دست یافتن افراد به زیبایی و جوانی به کمک ایشان می‌آیند. در این رویکرد، جوانی و زیبایی ذاتی و موروثی نیست، بلکه ویژگی‌هایی ساختنی است که اگر آدمی قادر به خرید آن باشد، می‌تواند به آن دست یابد. وسایل آرایشی گوناگون، جراحی‌های زیبایی، کلاس‌های ورزشی و زیبایی اندام، همگی خدماتی هستند که در اختیار کسانی قرار می‌گیرند که بخواهند به این الگوها نزدیک شوند. این خدمات به افراد کمک می‌کند تا صاحب مفاهیمی همچون زیبایی شوند، و یا «جوانی» را که مفهومی مشمول زمان و گریزنده است، به امری ثابت و پایدار مبدل سازند (حاجی‌میری، ۱۳۹۵).

در نتیجه رویکرد توجه بیش از حد به بدن و بدن‌آرایی موجب کالایی شدن، سکولار و عرفی شدن و شهوانی گردیدن زیبایی شده است.

در سبک زندگی دینی، زیبایی صرفاً در امور ظاهری خلاصه نمی‌شود و شامل انواع زیبایی‌های مادی و معنوی می‌شود. در برخی احادیث، علم، ادب، صداقت، بردباری، عدالت، قناعت، سکوت و عفو و گذشت زیبایی به‌شمار آمده‌اند (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: تمیمی آمدی، ۱۳۶۶). البته، دین به آراستگی و زینت بدن در حد اعتدال توجه دارد و در سیره عملی انبیا و امامان معصوم علیهم‌السلام نیز چنین توجهی به‌وضوح دیده می‌شود؛ همچنان که قرآن کریم با پرسشی انکاری از مردمان می‌پرسد: چه کسی مانع استفاده از زیبایی‌ها و آراستگی‌هایی است که خداوند برای بندگانش در نظر گرفته است؟ (اعراف: ۳۲).

سخنی از امام حسن مجتبی علیه‌السلام درباره زیبایی چنین است: «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و من برای پروردگارم خویش را می‌آرایم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۰، ص ۱۷۵).

سخنان و عملکردهای فراوانی از بزرگان دین درباره آراستگی و زیباسازی خویش و خوشبو کردن بدن، حتی در زمان فقر و تنگدستی، به‌ویژه در روز جمعه و اعیاد وجود دارد (ر.ک: کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳۱؛ ج ۳، ص ۴۱۷؛ ج ۶ ص ۴۴۲ و ۵۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۱، ص ۳۳-۳۵؛ حرعاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۱۱۰).

حکیمان مسلمان نیز غالباً زیبایی را در امور معنوی و معقول دیده‌اند. *فارابی* در تعریف «زیبایی»، آن را کمال می‌داند و بر این باور است که هر قدر موجود به کمال نهایی‌اش نزدیک‌تر شود زیباتر می‌گردد؛ چنان که او زیباترین موجود را موجود اول (خدای متعال) می‌داند.

الجمال و البهاء و الزینة فی کل موجود هو أن يوجد وجوده الافضل و يحصل له کماله الأخیر (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۴۳).

ابن‌سینا در رساله *فی‌العشق*، زیبایی را مشتمل بر نظم، ترکیب و اعتدال می‌داند. او همچنین در *الهیات نجات* می‌نویسد: زیبایی و جمال هر چیزی هنگامی بروز می‌یابد که آن چیز همان بشود که باید باشد؛ یعنی به کمال مدنظرش دست یابد: «جمال کل شیء و بهائو هو ان یکون له ما یجب له» (ابن‌سینا، ۱۳۷۹، ص ۱۷ و ۵۹۰).

چنان که از تعریف این دو حکیم مسلمان پیداست و با توجه به این باور دینی که کمال انسان‌ها شکوفایی جلوه‌های اخلاقی، رفتاری، علمی و معنوی آنان است، کسانی زیاترند که اخلاقی‌تر، معنوی‌تر و اندیشمندترند. به بیان دیگر، کسانی زیاترند که به خدای متعال نزدیک‌ترند. بنابراین دین نه تنها مخالف حس زیبایی‌خواهی نیست، بلکه آن را تقویت نیز می‌کند و انسان‌ها را تشویق می‌نماید به زیبای حقیقی و زیباترین موجود عالم، یعنی کمال محض و خدای زیبا نزدیک شوند.

در اینجا توجه به چند نکته لازم است:

نخست اینکه تأکید اصلی دین بر زیبایی باطنی و معنوی است و زیبایی ظاهری در مرتبه بعدی قرار دارد. دوم اینکه در زیبایی ظاهری، اثرات فردی و اجتماعی این آراستگی، نظیر نشاط و شادایی فردی و اجتماعی، امنیت روانی، ایجاد پرهیز از تنفرآفرینی در جامعه، احترام به دیگران، حفظ حیا و عفاف خانوداگی مدنظر است. نه خودنمایی و دلربایی (ر.ک: کلینی، ۴۱۳ق، ج ۶ ص ۴۴۲) و آلودن دیگران به تباهی‌های اخلاقی و جنسی و ایجاد چشم‌وهم‌چشمی. به بیان دیگر، زیبایی ظاهری نیز در جهت همان زیبایی معنوی است. تحقیقات نیز نشان می‌دهد که به میزان فزونی دینداری افراد، میزان مدیریت نمایشی بدن نیز رو به کاهش می‌نهد و بعکس (ر.ک: فاتحی و اخلاصی، ۱۳۸۷). تعبیر دیگر این است که به میزان توجه به بدن، توجه به روح و جان و سلامت و آرامش و خواسته‌های آن کم می‌شود و بعکس.

سوم اینکه آنچه «عمل جراحی زیبایی» نامیده می‌شود، در صورتی از منظر دین مجاز است که یا به حد اضطرار و ضرورت برسد (همچون سوختگی) یا انجام آن عقلایی باشد و موجب آسیب به بدن نشود و منع شرعی واضحی در برابر آن وجود نداشته باشد؛ مانند آسیب زدن به بدن برای مدتی طولانی یا تماس با نامحرم برای انجام آن، یا تغییر طبیعت بدن مرد به زن و بعکس.

بنابراین، حفظ تن از آسیب و حرمت ضرر زدن به آن یکی از شروط اساسی دین برای مواجهه با بدن است. در رویکرد دینی، سلامت بدن از چنان اهمیتی برخوردار است که با وجود اهمیت کار و تلاش و کسب روزی حلال، سخنی از معصوم می‌فرماید: کسی که تلاش توانفرسا و کار مداوم شبانه‌روزی‌اش موجب نادیده‌گرفتن حق اعضای بدن و استراحت آنها شود، کسبش حرام است (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵ ص ۱۲۷).

لازمه بهره‌مندی جامعه ایمانی از انسان مؤمن، سلامت جسم و روان اوست. به همین علت است که مؤمنان، حتی هنگام مصیبت نیز از آسیب‌زدن به جسم خویش بازداشته شده‌اند و حق ندارند سلامتی خویش را دچار خطر سازند (ر.ک: یزدی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۳۱؛ ج ۴، ص ۴۲۴).

اهلبیت علیهم‌السلام در سخنان فراوانی، با توصیه به مؤمنان در خصوص کم‌خوردن، به موقع خوردن، کم‌خوابیدن، حفظ بهداشت فردی و اجتماعی، نظافت و تطهیر بدن و مانند آن برای حفظ سلامتی بدن تأکید کرده‌اند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۴۱، ص ۳۶۲؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق،

ج ۵۹، ص ۲۹۱؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۹۴ق، ص ۱۰۰۶ و ۴۴۲؛ صدوق، ۱۳۶۲، ص ۲۵۸ و ۲۷۱ و ۳۹۱ و ۳۹۱؛ حراملی، ۱۴۰۲ق، ج ۷، ص ۳۶۲). البته شکی نیست که در این تأکیدها اهداف دیگری غیر از حفظ بدن نیز مدنظر است که در جای خود باید بررسی شود.

اهمیت سلامت بدن از منظر دین تا آنجاست که حتی اگر انجام واجباتی همچون نماز و روزه سلامت آن را به مخاطره اندازد، و خوب آن عمل موقتاً برداشته می‌شود یا چگونگی انجام آن به مقتضای توانایی جسم تغییر می‌یابد.

کارکرد بدن

در این بخش، ضمن اشاره مختصر به سه کارکرد «هویتی»، «تجاری» و «نمایشی» بدن در رویکرد سکولار، به نقد و بررسی این کارکردها و بیان دیدگاه دین درباره کارکرد بدن می‌پردازیم:

الف) بدن و هویت

از نکات قابل توجه درباره بدن، ارتباط بین منزلت، جایگاه و کسب موفقیت افراد با بدن است. در بسیاری از ساحت‌های نظام سکولار، برای کسب موفقیت باید جلوه و ظاهری موفق داشت؛ روابطی که در سطح کلان بیانگر جایگاه و اولویت بدن در نظام اجتماعی نیز هست، برخلاف نگاه دینی که تنها جلوه و ظاهر شخص ملاک اصلی شایستگی و لیاقت نیست، بلکه تعهد، تخصص و توانایی افراد نیز از معیارهای موفقیت است (برای نمونه، ر.ک: یوسف: ۵۵؛ قصص: ۲۶).

در این نگاه، بدن حامل ارزش در زمینه‌های اجتماعی است و هویت‌های افراد با ارزش‌های اجتماعی، با اندازه، شکل و ظاهر بدنی آنان مرتبط است (شیلینگ، ۱۹۹۳، ص ۱۴). از رهگذر بدن است که خودپنداری شکل می‌گیرد و با تغییراتی که در ظاهر بدن ایجاد می‌شود، خودپنداری افراد تغییر می‌کند (غراب، ۱۳۹۲). مطابق یافته‌های گیملین، بدن در دنیای امروزی یکی از نقاط کانونی هویت است (گیملین، ۲۰۰۶).

بدن در جامعه امروزی مصرفی، به یک عنصر فرهنگی و سرمایه اجتماعی تبدیل شده است. در جامعه مصرفی بدن‌های فیزیکی همیشه و در همه جا بدن‌های اجتماعی هستند. در اینجا هویت افراد - البته عموماً زنان - با ظاهر آنان پیوند می‌خورد. به بیان دیگر، «ظاهر، بدن و هویت با مصرف‌گرایی قرن بیست‌ویکم پیوند خورده است» (فراست، ۲۰۰۳، ص ۵۵).

بنابراین، در جامعه مصرفی، بدن به منبعی از سرمایه نمادین تبدیل می‌شود؛ یعنی کمتر به این نکته توجه می‌گردد که بدن قادر به انجام چه کاری است، بلکه از این نظر بدان نگریسته می‌شود که بدن چگونه به نظر می‌رسد. در چنین جامعه‌ای مدیریت بدن مرکز اصلی کسب منزلت و حفظ تمایزهای طبقاتی است (بوردیو، ۱۹۸۴، ص ۱۹۷).

افراد با به‌کارگیری زبان بدن روایتی خاص از هویت شخصی خویش، برای تماشا و ارزیابی دیگران ارائه می‌دهند. گیلنر معتقد است:

خودآرایی و تزیین خویشتن با پویایی شخصیت مرتبط است. در اینجا، پوشاک علاوه بر آنکه وسیله مهمی برای پنهان‌سازی یا آشکارسازی وجوه مختلف زندگی شخصی است، نوعی وسیله خودنمایی نیز محسوب می‌شود؛ چراکه لباس، آداب و اصول رایج را به هویت شخصی پیوند می‌زند (گیلنر، ۱۳۹۳، ص ۹۵).

بررسی بعد هویتی بدن از منظر دین

نگاه تک‌سویه به بعد ارزشی انسان و او را در ظاهرش خلاصه کردن، ریشه در فرهنگ مصرفی و مادی دارد و برای جوانی و زیبایی و بعد مادی انسان ارزش زیادی قائل است. توجه به برزندگی و تناسب اندام، تلاشی است برای به هم پیوند دادن ظاهر بیرونی افراد با مفهوم درونی خود.

از منظر فرهنگ مصرفی و سرمایه‌داری، افراد فاقد هویت روحی و معنوی و از خود بیگانه‌اند و از ظاهر بدنی خویش نیز متنفرند. بنابراین باید با خرید کالاها و خدماتی در جهت زیبایی بدن این نقص را جبران کنند. در چنین جامعه‌هایی «بدن‌گرایی» ترفندی برای سرپوش نهادن بر تنهایی انسان امروزی است. او می‌خواهد تنهایی خویش را به‌نوعی جبران کند. تنهایی مهم‌ترین دستاورد اخلاقی فردگرایی است و از شاخصه‌های اصلی دنیای نوین به‌شمار می‌رود (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۳). به بیان نیچه، دنیای امروزی که بشر غربی در آن خدا را کشته، انسان‌ها را به انفراد می‌خواند. بشر فردگرایی غربی مثل هر قاتلی تنهاست (همان، ص ۴۵).

یکی از علل اهمیت هویتی بدن در رویکرد سکولار این است که بی‌ثباتی و عدم قطعیت جهان امروزی انسان‌ها را دچار سردرگمی و تزلزل در هویت کرده است، و حال آنکه قطعیت حاکم بر جامعه‌های سنتی و دینی موجب پایداری «هویت فردی» می‌شود. در جهان متزلزل نوین، انسان‌ها هر روز با چیزی به دنبال هویت‌بخشی به خویش هستند؛ مصرف بیشتر، تجمل‌گرایی، بدن‌گرایی و مانند آن.

اما در سبک زندگی دینی، انسان‌ها دارای هویت الهی و فطرت خدایی هستند و بی‌هویت نیستند تا بخواهند با جلوه‌های بدنی به خود هویت ببخشند. در نگاه ایمانی، بدن هویت اجتماعی برای کسی ایجاد نمی‌کند؛ همه هویت یک فرد، علاوه بر مخلوق و بنده خدا بودن، به آگاهی و توانمندی علمی، اخلاقی و معنوی است؛ چنان‌که روایت نبوی می‌فرماید: «بی‌شک، خداوند به صورت‌ها و اموالتان نمی‌نگرد، بلکه به دل‌ها و اعمالتان می‌نگرد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۸۱) و «بی‌شک، خداوند به صورت‌ها و بدن‌هایتان نمی‌نگرد، بلکه به دل‌ها و نیت‌هایتان می‌نگرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵، ص ۳۳۱).

در فرهنگ اسلامی، ظاهر انسان‌ها تنها معیار قضاوت برای خوب و بد یا زشت و زیبا بودن نیست. در اینجا، علاوه بر آراستگی ظاهر و موقر و تمیز بودن، امور معنوی و ارزشی نیز مدنظر قرار می‌گیرد. بنابراین، مؤمنان دارای

هویت بدنی و روحی و مادی و معنوی هستند و چنین نیست که بخواهند از خودیگانگی خویش را صرفاً با خرید کالاها و خدمات زیانمایی جبران کنند.

ب) بدن و تجارت

در مدرنیته متأخر، که عصر مصرف‌گرایی و سودگرایی است، دقت لازم در مدیریت بدن از ضروریات مدیریت تجارت است تا با ایجاد نیاز روزافزون به مصرف در مردم، موجب رشد روزافزون تولید و در نهایت، سود حداکثری برای صاحبان سرمایه شود. این مدیریت بدن شامل انواع مدیریت و انواع بدن می‌گردد؛ مدیریت بهداشتی، مدیریت پزشکی، مدیریت ورزشی و مدیریت غذایی؛ و بدن کارگر، بدن مصرف‌کننده و بدن تبلیغ‌کننده کالا.

یکی از مهم‌ترین مدیریت‌های بدن، مدیریت بدن تبلیغ‌کنندگان کالاها و خدمات تجاری است. بی‌شک، یکی از برجسته‌ترین ابزارها برای سوق دادن جامعه به سمت مصرف بیشتر، تبلیغات است و یکی از کاراترین شیوه‌های تبلیغ، استفاده از بدن زیبا، ورزیده و جذاب، و در درجه اول، بدن زن و جلوه‌های بدنی اوست. برای نمونه، شرکت‌های هواپیمایی، برای جلب مشتری بیشتر، از مهمان‌داران زن در هواپیما استفاده می‌کنند و همزمان از این کار دو انتظار دارند: نخست. توجه به نیازهای مسافران؛ دوم. ایجاد شرایطی در محیط به منظور احساس آرامش مسافران. این مهم در گرو توجه جدی مهماندار زن به نحوه آراستن خویش، لبخندزدن، اطمینان‌بخشی و مانند آن است (شیلینگ، ۱۹۹۳، ص ۱۲۰).

هاکشیلد این موضوع را با عنوان «مدیریت عاطفی» بیان می‌کند. «مدیریت عاطفی» بدین معناست که شخص از طریق ایجاد روابط عاطفی و تحریک احساسات طرف مقابل، در محیط و برای کسی که نیاز به آن نیست، موجب پیشبرد اهداف خویش می‌شود. از مصادیق بارز مدیریت عاطفی، تدارک بدن سازمانی در ابعاد گوناگون آن است. به باور او، لازمه حضور در سازمان‌های دیوان‌سالار (بروکراتیک)، وجود زنان رسمیت‌یافته و برخوردار از جذابیت‌های جنسی لازم است (گاتفرید، ۲۰۰۳، ص ۲۵۹). از زنان کارمند و شاغل در سازمان‌ها انتظار می‌رود مدیریت احساس، تظاهرات بدنی، آفرینش نمایش‌ها و نمایش چهره‌ای خاص از خود بروز دهند (هوکشیلد، ۱۹۸۳، ص ۷).

بررسی بعد تجاری بدن از منظر دین

چنین رویکردی از منظر ادیان توحیدی قابل پذیرش نیست و تعدی به جایگاه و منزلت یک انسان و یک زن و تنزل دادن شخصی مستعد خلافت الهی تا حد عروسک خیمه‌شب‌بازی و مبلغ کالاها و خدمات و به استعمار کشیدن او در برابر اندک سود اقتصادی است.

بزرگ‌نمایی بیش از حد بدن و اهمیت اجتماعی و هویت دادن به آن و سوق دادن افراد به سمت استفاده فزاینده از باشگاه‌های بدن‌سازی، و لوازم و اعمال جراحی زیبایی در جهت دستیابی به تمایز و برتری اجتماعی نیز در دین پذیرفتنی نیست و سوءاستفاده از نیاز افراد به تمایز و هویت و غفلت از زیبایی‌های معنوی است.

بدن از منظر دینی نقش مهمی در تجارت اجتماع و معیشت خانواده و فرد ایفا می‌کند. روایات فراوان اسلامی که بر منزلت کارگر و اهمیت کار او تأکید می‌کند و او را همچون مجاهد راه خدا توصیف می‌نماید، عمدتاً به کار جسمی و بدنی اشاره دارد (ر.ک: متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۸؛ کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۷۴). اهمیت بعد شغلی و حرفه‌ای بدن مؤمنان مربوط به تأمین معیشت خانواده، حفظ ارکان اقتصادی جامعه ایمانی و بی‌نیاز ساختن آن از بیگانگان است.

پیامبر خدا ﷺ و امامان معصوم ﷺ کارهای بدنی می‌کردند؛ همچون دامداری، کشاورزی و باغداری. به سخن امام صادق ﷺ، امیرمؤمنان علی ﷺ از دسترنج خود هزار برده آزاد کرد (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۷۴).

ج) بدن و نمایش

در رویکرد غیردینی، چون اهداف الهی و دینی مطرح نیست، برداشت از «خود» غالباً با رهیافت نمایشی فرد شکل می‌گیرد؛ یعنی «خود»، نه در تملک کنشگر، که محصول کنش نمایشی متقابل بین کنشگر و افراد پیرامون است که عموماً شبیه خود او هستند. «خود یک اثر نمایشی است که از... صحنه نمایش برمی‌خیزد» (ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۲۸۰). در اینجا فرد هنگام کنش متقابل تلاش می‌کند با نظارت بر خویش و تنها توجه به بدن، صحنه‌ای از خود را به نمایش بگذارد که در هر حال، مقبول دیگران قرار گیرد. این فرایند «مدیریت تأثیرگذاری» نامیده می‌شود (همان، ص ۲۹۲) که با توجه به مخاطب خداپاور یا بی‌خدا / سکولار، جهت تأثیر آن متفاوت است.

در پشت صحنه نمایش فرد سکولار و بی‌تفاوت نسبت به آرمان‌های دینی، عموماً باشگاه‌های بدن‌سازی، مراکز درمانی زیبایی، مراکز رژیم غذایی و فروشندگان لباس و زیورآلات قرار دارند که افراد طالب نمایش را برای حضور در صحنه نمایش (اجتماع) آماده می‌سازند.

یکی از جلوه‌های مهم بعد نمایشی بدن، که عموماً در رویکرد سکولار و مقلدان آن مطرح است، کاربرد بدن در تبلیغات و رسانه‌های جمعی است. در این رویکرد، که مفاهیم زنانگی و مردانگی بر مبنای جسم و الگوهای بدنی شکل می‌گیرد، بدن با سخت‌گیری هرچه بیشتر به سمت ایده‌آل‌های زنانگی و مردانگی حرکت می‌کند.

یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد بعد نمایشی بدن، رسانه‌های جمعی هستند. امروزه رسانه‌ها هستند که گزینش‌های افراد را مشخص می‌کنند و به آنان سبک زندگی ارائه می‌دهند. مردمان عصر رسانه در تعیین هویت فردی و جمعی‌شان بیشترین تأثیر را از رسانه دریافت می‌کنند.

در فرهنگ مصرفی که عموماً دارای گرایش سکولار است، فشارهای عمومی و تبلیغات باعث به‌وجودآمدن تعداد زیادی از تصویرهای بدنی سبک‌وار می‌شود. به‌بیان دیگر، در فرهنگ مصرفی عامل اصلی مدیریت بدن، فناوری‌های نوین، به‌ویژه رسانه‌ها هستند (فتستون، ۲۰۱۰).

بررسی بعد نمایشی بدن از منظر دین

بعد نمایشی بدن در اسلام، مربوط به آراستن بدن مردان برای عبادت، دیدار با مؤمنان، حضور در اجتماع و انجام وظیفه خانوادگی در راستای ایجاد عفاف (ر.ک: کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳۱؛ ج ۳، ص ۴۱۷؛ ج ۶ ص ۴۴۲ و ۵۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۱، ص ۳۳-۳۵؛ حرعاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۶۰۱ و ۳۱؛ پاینده، ۱۳۶۰، ص ۷۲) و نیز آراستن زن برای همسر در جهت حفظ حیا در خانه و اجتماع (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۲۰، ص ۳۰ و ۱۷۸؛ کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۳۴ و ۵۱۹) است. بنابراین، هدف نمایش بدن در سبک زندگی دینی، نه تنظیم بدن برای خودنمایی و مد و تجارت و نه صرفاً مقبول دیگران واقع شدن، بلکه برای ایجاد محبت و علاقه میان مؤمنان و ایجاد حیا و عفاف در جامعه است.

نکته دیگر اینکه آنچه با عنوان «نمایش بدن»، به‌ویژه بدن زنانه در تبلیغ خدمات و کالاها و در فیلم و رسانه مطرح است، به‌ویژه اگر همراه با رنگ و لعاب و جراحی زیبایی و جلوه‌گری و مانند آن باشد، به هیچ وجه از سوی دین پذیرفته نیست و با منزلت و کرامت انسان، بخصوص زن ناسازگار است و به وضوح در متون دینی ممنوع و حرام دانسته شده است. برای نمونه آیه ۳۱ سوره «نور» تصریح می‌کند که زنان مؤمن حق ندارند زینت‌های ذاتی و عارضی خویش، یعنی زیورآلات خود یا محل زینت را که بخش‌هایی از بدن باشد (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۴، ص ۱۴۵) برای غیرمحرمان آشکار سازند و خود را در معرض نمایش مردان قرار دهند. در آیه ۳۳ سوره «احزاب» نیز از زنان می‌خواهد که به «تبرج» و خودآرایی و خودنمایی و جلوه‌گری و عرضه زیبایی در برابر مردان نپردازند.

جمع‌بندی و ارزیابی

جمع‌بندی و ارزیابی نگاه دوگانه سبک زندگی به بدن و دستاوردهای این نوشتار را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. در بررسی تنها یکی از شاخص‌های سبک زندگی به این نتیجه می‌رسیم که با توجه به تفاوت مبنایی و ظاهری سبک زندگی یک مؤمن با دیگران، به‌وضوح می‌توان سخن از دو نوع سبک زندگی دینی و غیردینی داشت.

۲. مطابق آنچه گذشت، سبک زندگی غیردینی بیشتر بر ظواهر و روبناهای زندگی تأکید دارد، اما تأکید سبک زندگی دینی بر مسائل بنیادین زندگی، نظیر ارزش‌های اخلاقی، سعادت ابدی، لذت پایدار، زیبایی‌های معنوی، حقیقت‌جویی و آرمان‌خواهی است.

به‌بیان دیگر، به‌رغم اهمیت بدن در هر دو سبک زندگی دینی و سکولار، بدن در سبک زندگی مادی یک سرمایه نمادین و اجتماعی و در جهت اهداف مادی، همچون تمایز، تجارت و نمایش است؛ اما در سبک زندگی دینی، یک سرمایه حقیقی و ابزار، مرکب و لازمه کمال حقیقی و معنوی انسان است.

۳. آنچه با عنوان «بدن‌گرایی» مطرح است، بیشتر در جوامع سکولار است تا دیندار. اگر هم توجه به بدن در هر دو یکسان باشد، در یک جا به‌منظور اهداف متعالی، و در جای دیگر به قصد اهداف مادی است.

۴. در رویکرد سکولار، جسم هدف دانسته و پرستیده می‌شود. آنچه در این رویکرد مهم است تمجید از شکل ظاهری آن و تقدس‌زدایی از آن و تقلیل آن به فعالیت جسمی محض و در جهت ارضای فزاینده‌گرایز و لذت‌جویی است.

در نگاه سکولار و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی غرب، نظیر علم و فناوری و فرهنگ و هنر و رسانه و ورزش، بدن به ابزاری برای فعالیت‌ها و اهداف مادی تنزل یافته است.

اما در رویکرد دینی، به‌موازات تعالی هدف و عمل، بدن نیز به تعالی دست می‌یابد و مقدس می‌شود.

۵. توجه دین به بدن و روح انسان به صورت سلسله‌مراتبی و تشکیکی است؛ در درجه نخست روح، نیازها و کارکردهایش قرار دارد، سپس بدن، نیازها و توانمندی‌هایش.

۶. زیبایی در نگرش دینی، بیشتر «عینی» و دارای پشتوانه حقیقی است؛ همچنان‌که بیشتر «معنوی»، «درونی» و «کیفی» است، و حال آنکه مطابق زیبایی‌شناختی مادی‌نگر، عموماً «نسبی» و وابسته به عوامل محیطی، فرهنگی و دوره تاریخی و بیشتر «نمایشی»، «ظاهری» و «مادی» است.

در رویکرد دینی تأکید اصلی بر اهمیت باطن و معنویت است، هرچند ظاهر نیز نادیده گرفته نمی‌شود؛ اما در رویکرد سکولار تأکید بر اهمیت ظاهر هر چیز است؛ ظاهر ماشین، ظاهر لوازم منزل، ظاهر خود شخص.

به‌بیان‌دیگر، در جهان مادی‌نگر عناصر نمایشی و اموری که مربوط به ظاهر کنشگران اجتماعی است، در مقایسه با عناصر باطنی و درونی، به‌مراتب از قدرت منزلت‌آفرینی بیشتری برخوردارند؛ همچنان‌که عکس آن نیز صادق است.

در آنجا جلوه‌های ظاهر، همچون موقعیت اجتماعی، سطح زندگی، ظاهر جذاب و زیبا، بدن مدیریت‌شده و چهره مشتری‌پسند منزلت و ارزش به حساب می‌آید؛ در اینجا داشتن ویژگی‌های درونی و توانمندی‌های گوناگون، نظیر مراتب بالای ایمان، اخلاق خوب و دانش کافی.

در آنجا لازمه دستیابی به مراتب بالای منزلت و کمال، نشانه‌های مادی افراد است، که یکی از مهم‌ترین اثرگذارترین و دردسترس‌ترین آنها بدن است؛ در اینجا ایمان، اخلاق، بصیرت، و عمل صالح افراد را به کمال می‌رساند، هرچند بدن نیز نقش مهمی ایفا می‌کند.

۷. توجه افراطی به بدن در جامعه و بین گروه‌هایی بروز می‌یابد که اولاً، آرامش و آسایش نسبی در آن برقرار است و ثانیاً، افراد توجه چندانی به امور معنوی و دینی ندارند. در جامعه‌هایی که رخداهای طبیعی و غیرطبیعی ناگواری همچون جنگ و بیماری‌های سهمناک و فقر موجب اضطراب و عدم قطعیت‌ها در محیط و موقعیت اجتماعی می‌شود و نیز در جوامع دینی - سنتی، مدیریت و بازسازی بدن به پایین‌ترین سطح خود می‌رسد.

منابع

- ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبةالله، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج البلاغه*، تصحیح محمدابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۷۹، *النجاة من الغرق فی بحر الضلالت*، ویرایش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران.
- ابن شعبه حرانی، حسین بن علی، ۱۳۹۴ق، *تحف العقول*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- احمدی، بابک، ۱۳۸۷، *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، تهران، نشر مرکز.
- پابنده، ابوالقاسم، ۱۳۶۰، *نهج الفصاحه*، تهران، جاویدان.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- چاووشیان، حسن، ۱۳۸۱، «بدن به مثابه رسانه هویت»، *جامعه‌شناسی ایران*، ش ۴، ص ۷۵-۵۷.
- حاجی‌میری، فاطمه، ۱۳۹۵، «قدرت و بدن: بدن زنانه، به مثابه ابژه قدرت»، در: *تارنمای انسان‌شناسی و فرهنگ* anthropology.ir
- حراملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۲ق، *وسائل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ذکایی، محمدسعید، ۱۳۸۶، «جوانان، بدن و فرهنگ تناسب»، *تحقیقات فرهنگی*، سال اول، ش ۱، ص ۱۱۷-۱۴۱.
- رینتز، جرج، ۱۳۷۴، *جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی و فرهنگی.
- شه‌گلی، احمد، ۱۳۹۳، «ساحت جسمی انسان و نقش آن در ارتقای سبک زندگی دینی»، در: *مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی سبک زندگی رضوی*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، *مفاتیح الغیب*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۱، *مکارم الاخلاق*، قم، شریف‌الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۰، *الأداب الدینیة للخواتمة المعینیة*، قم، زائر.
- غراب، ناصرالدین، ۱۳۹۲، «بدن و دین»، *نامه پژوهش فرهنگی*، سال نهم، ش ۲، ص ۱۴۵-۱۷۰.
- غزالی، محمد بن محمد، ۱۳۷۸، *کیمیای سعادت*، تهران، علمی و فرهنگی.
- ، بی‌تا، *احیاء العلوم*، بیروت، دارالکتب العربی.
- فاتحی، ابوالقاسم و ابراهیم اخلاصی، ۱۳۸۷، «مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۱، ص ۹-۴۲.
- فارابی، ابونصر، ۱۹۹۵، *آراء اهل المدينة الفاضلة و مضادتها*، بیروت، مکتبه الهلال.
- فوکو، میشل، ۱۳۸۸، *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نشر نی.
- ، *کتاب مقدس*، ۱۹۹۶، ایلام، انجمن کتاب مقدس ایران.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۳ق، *الکافی*، بیروت، دارالاضواء.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۹۳، *تجدد و تخصص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- لوپس، خوزه و جان اسکات، ۱۳۸۵، *ساخت نظریه اجتماعی*، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشر نی.
- متقی‌هندی، علاء‌الدین، ۱۴۰۹ق، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳، *رهبران بزرگ*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب ع.
نجفی، هادی، ۱۴۲۳ق، *موسوعة احادیث اهل البيت*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
نصر، سیدحسین، ۱۳۸۹، *دین و نظم طبیعت*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، نشر نی.
یزدی، محمدکاظم، ۱۳۸۵، *العروة الوثقی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

- Bourdieu, Pierre, 1984, *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*, Harvard University Press.
- Chitlik, William, 1989, *The Sufi Path of Knowledge*, State University of New York Press.
- Corbin, Henry, 1978, *The Man of Light in Iranian Sufism*, trans. by: Nancy Pearson, London, Shambata.
- Featherston, Michel, 1991, *Consumer Culture and Postmodernism*, London, Sage.
- _____, 2010, "Body, Image and Affect in Consumer Culture", *Body & Society Journal*. V. 16 (1), p.193-221.
- Frank, Arthur W., 1990, "Bringing Bodies back", in *A decade review, theory, Culture and Society*, N. 7, p. 62-131.
- Frost, L., 2003, "Doing Bodies Directly? Gender ,youth Aearance and Damage". *journal o youth studies*, V. 6, N. 3, p. 145-167.
- Gimlin, Debra, 2006, "The Absent Body Project: Cosmetic Surgery as a Response to Bodily Dys-appearance", *Sociology*, V. 40, N. 4, p. 699-716.
- Goffman, E., 1963, *Behavior in Public Places: Notes on the Social Organization of Gatherings*, New York, Free Press.
- Gorgan, Sarah, 2000, *Body Image: Understanding Body Dissatisfaction in Men Women and Children*, New York, Routledge.
- Gottfried, Heid, 2003, "Tempting Bodies: Shaping Gender at Work in Japan", *Sociology*, V. 37, N. 2, p. 259-278.
- Hancock, Philip, et al, 2000, *The Body, Culture, and Society, An Introduction*, Open University Press, Buckingham, Philadelphia.
- Hochschild, Arlie Russell, 1983, *The Managed Heart, Commercialization of Human Feeling*, Barkeley CA: University of California Press.
- Honsen, J., 2002, Ivelin Deid, *Marry Allys Watters. Make up, Fashion and exploitation*, trans. By: A. Mansouri, Tehran, Golazin Publication, p.110-154.
- Howson, Alexandra & Inglis, D., 2001, "The body in sociology: tensions inside and outside sociological though", *The Editorial Board of Sociological Review*.V. 49, Issue 3, p. 297-317.
- Howson, Alexandra, 2005, *Embodying Gender*, London, Sage Publications Ltd.
- Murata, Sachiko, 1992, *The Tao of Islam*, Albany, State University of New York Press.
- Nettleton, Sara, 1995, *The sociology of Health and Illness*, Cambridge, polity press.
- Shilling, Chris, 1993, *The Body and Social Theory, Culture & Society*, London, Sage Publisher.
- Turner, Bryan, 1994, *Regulating Bodies, Essay in Medical Sociology*, London, Routledge.
- Wellington, A. Christine & Bryson, R. John, 2001, "At Face Value: Image Consultancy Emotional Labour and Professional Work", *Sociology*, V. 35, N. 4, p. 933-954.